

حضرت امام در این باره راه دیگری را می پیمایند و می نویسند:

«لا إشكال في أن الجمل الخبرية المستعملة في مقام البعث و الإغراء كالهيات في حكم العقلاء بلزوم إطاعتها، لما عرفت من أن البعث - بأى دال صدر من المولى - كان تمام الموضوع للزوم الاتباع، وإنما الكلام في كيفية دلالتها على البعث. و الذى يمكن أن يقال: إنها مستعملة في معانيها الخبرية بدعوى تحققها من المخاطب، مدعى أن المخبر به أمر يأتى به المخاطب من غير احتياج إلى الأمر، لوضوح لزوم إتيانه بحكم العقل، كما إذا قلت: «إن ولدى يصلى» أو «إنه يحفظ شأن أبيه» بداعى إغرائه بذلك، فإنك تستعمل الجملة في معناها بدعوى كون الأمر بمكان من الوضوح لا يحتاج إلى الأمر، بل يأتى به بتميزه و عقله. و ما ذكرنا موافق للذوق السليم و المحاورات العرفية.»^۱

توضیح :

۱. جملات خبریه ای که در مقام بعث استعمال شده اند، همانند هیأت امر است در اینکه در هر دو عقلا حکم می کنند به لزوم اطاعت.
۲. چراکه بعث مولا - به هر طریق که آن را کشف کنیم - موضوع است برای اینکه عقلا حکم کنند به لزوم اتباع.
۳. اما دلالت جملات خبریه بر وجوب به چه نحوه است؟
۴. کیفیت دلالت چنین است که: اگرچه ضرب زید (مثلاً) هنوز واقع نشده است و باید توسط مخاطب ایجاد شود، ولی متکلم می گوید ضرب زید واقع شده است و مخاطب آن کار را کرده است (و یا مخاطب آن را ایجاد می کند - و اگر جمله خبریه مضارع باشد). این جمله اگرچه غیر از آن است که مراد متکلم است ولی متکلم در اینجا ادعا می کند که مخاطب این کار را خواهد کرد و احتیاجی به امر کردن نیست (چراکه عقل می گوید باید این کار را بکند)

ما می گوئیم :

تمایز مبنای امام و مبنای مرحوم آخوند در این است که در هر دو مبنا «جمله خبری در معنای خبری استعمال می شود ولی انگیزه استعمال بعث است» اما مرحوم آخوند به نحوه دلالت جمله خبریه بر انگیزه متکلم اشاره ای ندارد، در حالیکه امام به این نحوه دلالت هم اشاره می کند و آن را ناشی از «ادعای متکلم» می داند.

ادامه کلام مرحوم آخوند:

مرحوم آخوند سپس اضافه می کنند:

«لا يقال كيف و يلزم الكذب كثيرا لكثرة عدم وقوع المطلوب كذلك في الخارج تعالى الله و أولياؤه عن ذلك علوا

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۵۷



کبیرا.

فإنه يقال إنما يلزم الكذب إذا أتى بها بداعي الإخبار والإعلام لا لداعي البعث كيف و إلا يلزم الكذب في غالب الكنايات فمثل زيد كثير الرماد أو مهزول الفصيل لا يكون كذبا إذا قيل كناية عن جوده و لو لم يكن له رماد أو فصيل أصلا و إنما يكون كذبا إذا لم يكن بجواد ف يكون الطلب بالخبر في مقام التأكيد أبلغ فإنه مقال بمقتضى الحال هذا مع أنه إذا أتى بها في مقام البيان فمقدمات الحكمة مقتضية لحملها على الوجوب فإن تلك النكتة إن لم تكن موجبة لظهورها فيه فلا أقل من كونها موجبة لتعيينه من بين محتملات ما هو بصدده فإن شدة مناسبة الإخبار بالوقوع مع الوجوب موجبة لتعيين إرادته إذا كان بصدد البيان مع عدم نصب قرينة خاصة على غيره فافهم.»^۱

توضیح :

۱. إن قلت: اگر جملات خبریه در همان معانی خبری به کار رفته اند، در این صورت اگر مخاطب آن کار را انجام ندهد، جملات مذکوره دروغ می شوند.
۲. قلت: اگر متکلم جملات را به انگیزه اخبار و حکایت به کار برده باشد، دروغ لازم می آید ولی اگر به انگیزه بعث به کار برده باشد، دروغ لازم نمی آید.
۳. و الا در غالب کنایات کذب لازم می آید (اگر گفتیم زید كثير الرماد و رماد نداشت دروغ نیست بلکه دروغ آن جایی است که جواد نباشد).
۴. اما اینکه جملات خبریه در مقام تأکید ابلغ است به این جهت است که مطابق مقتضای حال است.
۵. حال: اگر هم گفتیم جملات خبریه در مقام انشاء ظهور در وجوب ندارند ولی مقدمات حکمت از بین احتمالات مختلف (استحباب، وجوب و مطلق طلب)، وجوب را متعین می کند چراکه نکته مذکور (اخبار به وقوع نسبت) با وجوب تناسب بیشتری دارد و اگر قرینه ای نبود باید کلام را بر وجوب حمل کرد.

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت)؛ ص ۷۱

